



# الغارات

الغارات

الإستفتاء والغارات

لأبي إسحاق إبراهيم بن محمد بن سعيد بن هلال  
المعروف بابن هلال الثقفني

مكتبة وفتوى قم  
المطبعة الميرزا المصطفوي  
الطائفة

دارالاشواق  
تهران، لبنان

○ الغارات

○ ابواسحق إبراهيم بن محمد ثقفی (۲۰۰-۲۸۳)

○ تصحيح ميرجلال الدين محدث ارموي

○ انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶



○ کتاب این

از کهن‌ترین آثار تاریخی شیعه درباره شیوه و آداب کشورداری علی(ع) همچنین غارتها و خرابکاریهای معاویه در قلمرو حکومت علی(ع) پس از جنگ نهروان تا شهادت آن حضرت. مؤلف این اثر ابواسحق ابراهیم بن محمد ثقفی متولد حدود ۲۰۰ ق. در کوفه و متوفی ۲۸۳ ق. در اصفهان.

ابواسحق در آغاز، زیدی مذهب بود و بعد به مذهب امامیه گروید و در این مذهب پایداری شدید ورزید. چنانکه در علت خروج از کوفه و اقامتش در اصفهان گفته‌اند، پس از تألیف کتاب «المعرفة» در فضایل اهل بیت(ع) و مطالب مخالفانشان بر آن شد تا کتاب را در محلی که متعصب‌ترین مخالفان شیعه حکومت دارند، روایت کند. چون مردم اصفهان را چنین یافت رحل اقامت در آن افکند و کتاب خود را روایت کرد. برخی محققین در صحت این اخبار تردید کرده و گفته‌اند: چرا می‌خواست با این کار خود را در تهلکه اندازد؟ چرا اصفهان را برگزید و به بصره یا دمشق که دشمنی‌شان نسبت به شیعه بیشتر بود نرفت؟ و اینکه چگونه توانست در چنین شهری اقامت گزیند و خطری او را تهدید نکند؟<sup>۱</sup>

ابواسحق را آثار بسیار، بوده است. تجاشی حدود پنجاه اثر را از وی نام برده است.<sup>۲</sup> که ظاهراً تاکنون جز الغارات وی اثری دیگر از وی بر جای نمانده است. پیش از ابواسحق آثاری به نام «غارات» تألیف شده بود؛ چنانکه ابوعبیده معمر بن مثنی‌تیمی (تیم قریش)، ابومخنف، نصر بن مزاحم و مدائنی که همه از مشایخ ابواسحق بودند هر یک کتابی به نام «الغارات» داشتند.<sup>۳</sup> او نیز چون دیگر مورخان به تناسب موضوع کتاب یعنی لشکرکشیها و غارت‌های کارگزاران معاویه به قلمرو علی(ع)، نام الغارات را بر اثر خویش نهاد. شاید این نام را از این عبارت مشهور علی(ع) گرفته باشد که فرمود: «سنت علیکم الغارات»<sup>۴</sup> «از هر سو بر شما تاختن آوردند».

اهمیت و ارزش کتاب - از آنجا که تألیف این کتاب در قرن سوم هجری صورت گرفته است از مصادر و مأخذ اصلی تاریخ شیعه محسوب می‌شود. چون سرزمین ایران در قلمرو حکومتی علی(ع) قرار داشت و به مناسبت‌هایی از روابط متقابل علی(ع) و ایرانیان ساکن عراق اخباری در این کتاب نقل شده است؛ این اثر می‌تواند از مأخذ مهم مربوط به تاریخ ایران که پیوند ناگسستگی با شیعه دارد به شمار رود. بنابراین شایسته است ارزش و میزان اعتبار محتویات کتاب به دقت شناخته شود و مورد بررسی قرار گیرد. به این مناسبت نکات زیر قابل توجه و تأمل است:

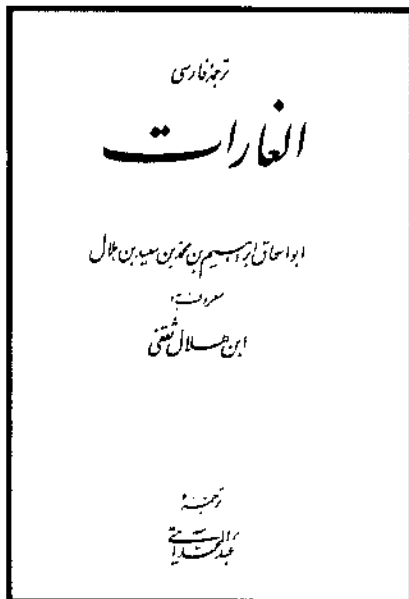
۱- شخصیت مؤلف و وابستگی مذهبی وی:

بنابر آنچه رجال‌یون شیعه و بطور کلی شرح حال‌نویسان گفته‌اند شکی نیست که ابواسحق در آغاز زیدی مذهب بوده و بعد به شیعه امامیه گرویده است. نکته مهمی که باید روشن شود این است که آیا وی هنگام تألیف الغارات هنوز زیدی مذهب بوده یا به مذهب امامیه گرویده بوده است. اگر هنگام تألیف کتاب بر مذهب زیدیه باقی بوده باشد؛ می‌توان انتظار داشت که پاره‌ای دیدگاه‌های فکری - سیاسی و آراء فقهی زیدیه در این کتاب منعکس شده باشد. مانند کیفیت وضو<sup>۵</sup> که با فقه شیعه مغایر است. یا روایتی را که از علی(ع) نقل کرده که به مردم کوفه فرمود: «پس از من مردی از یمن به نام یوسف بن عمرو بر شما حکومت خواهد کرد. در این هنگام مردی از خاندان ما قیام می‌کند. او را یاری کنید که او شما را به حق دعوت می‌کند»<sup>۶</sup> حتی اگر ثابت شود که هنگام تألیف الغارات به مذهب امامیه گراییده است، باز هم می‌توان احتمال داد که دیدگاه‌های فکری - سیاسی و آراء فقهی زیدیه هر چند ناخواسته در این کتاب وارد شده باشد، دلیل دیگری که این مدعا را ثابت می‌کند توجه به سلسله اسناد روایی ابواسحق است.

۲- مشایخ روایی ابواسحق:

زادگاه و خاستگاه ابواسحق شهر کوفه بوده است. شهری که از آغاز پیدایش شاهد شکل‌گیری بسیاری فرق و مذاهب اسلامی خصوصاً شیعه و ورود برخی عقاید و آراء غیراسلامی بود. از دیگر سو با قیام زید بن علی به سال ۱۲۱ - ۱۲۲ ق. در این شهر فصل جدیدی در تاریخ اسلام و شیعه پدید آمد. زیرا عقاید و دیدگاه‌های فکری - سیاسی و فقهی زیدیه ترکیب و تلفیقی از دو مذهب شیعه و سنت و جماعت بود. به عنوان مثال اگر بپذیریم که زیدیه به رغم قبول حقانیت و برتری علی(ع) مشروعیت و مقبولیت خلافت ابوبکر و عمر را تأیید می‌کرد درمی‌یابیم که چرا فقهای نامداری چون ابوحنیفه، سفیان ثوری و اعمش از قیام زید جانبداری می‌کردند. پیداست که نرمش و میانه‌روی فکری - سیاسی فرقه زیدیه عملاً به نزدیکی پیروان آن به اهل سنت و جماعت انجامید. در نتیجه بسیاری احادیث راویان سنت و جماعت مورد استناد و قبول آنان قرار گرفت. خصوصاً در آراء فقهی کاملاً به سوی آراء فقهی سنت و جماعت متمایل شدند. بنابراین چون ابواسحق در آغاز زیدی مذهب بوده بیشتر روایاتش در کتاب الغارات مأخوذ از راویان سنت و جماعت و مشایخ روایی وی، مشایخ روایی بخاری و مسلم در صحیحین است. همین امر صحت برخی روایاتش را با تردید روبرو می‌سازد. در عین حال، این مطلب (طریق روایی مشترک ابواسحق با بخاری و مسلم) می‌تواند زمینه و اساس استواری را برای تطبیق روایات راویان شیعی با روایات راویان اهل سنت و

الفارات نخستین بار در دو مجلد بالغ بر ۱۱۲۴ صفحه به قطع وزیری با استدراکات و فهرست مطالب، آیات، اعلام، قبایل و مذاهب، اماکن، کتب، قوافی اشعار و مأخذ تحقیق، جزء آثار چاپی سلسله انتشارات انجمن آثار ملی در تهران با حواشی و تعلیقات مبسوط میرجلال‌الدین محدث ارموی به سال ۱۳۵۶ ش. با مقدمه‌ای قریب به صد صفحه به چاپ رسید.



دیدگاه‌های فکری، سیاسی، تاریخی و فقهی آنان را که طی قرون دوم و سوم بطور کامل از هم جدا شدند و تثبیت یافتند؛ فراهم سازد. به عبارت روشن‌تر مشایخ راویان مورخین شیعی و مورخین و محدثین اهل سنت لاقلاً درباره اخبار تاریخی صدر اسلام مشترکند. بخاری و مسلم از کسانی روایت می‌کنند که ابواسحق ثقفی روایات مربوط به آداب و شیوه کشورداری علی(ع) و غارتهای معاویه را از آنان روایت می‌کند. بنابراین از آنجا که مأخذ روایات آنان مشترک است، باید دید چرا روایاتی را که ابواسحق درباره شیوه کشورداری علی(ع) و غارتهای معاویه، از مشایخ خود اخذ کرده در مجامع حدیثی و کتابهای تاریخی اهل سنت و جماعت که از همان مشایخ اخذ و روایت کرده‌اند؛ دیده نمی‌شود. آیا ابواسحق و نیز بخاری و... هر یک بنا بر تمایلات فرقه‌ای و فکری - سیاسی خود به گزینش و نقل اخبار از مشایخ دست می‌یازیدند؟ و یا اینکه علت دیگری داشته است؛ این مطلبی است که نیازمند تطبیق روایات و آثار تاریخی شیعه با روایات و آثار حدیثی و تاریخی اهل سنت و جماعت می‌باشد.

نکته مهم دیگری که درباره مشایخ روایی ابواسحق شایسته ذکر است آن است که هر چند ابواسحق عصر حیات ائمه (امام نهم، دهم و یازدهم علیهم‌السلام) را درک کرد اما از آنان در کتاب خود جز چند مورد آن هم با واسطه، حدیثی نقل نکرده است. شاید علت زیدی مذهب بودن وی، عدم اعتقادش به امامت ائمه پس از علی بن حسین(ع) و سکونتش در کوفه و هجرتش پس از گرایش به شیعه امامیه به اصفهان بوده باشد.

#### ۳. روایت کتاب الفارات

فهرست کتابهای ابواسحق را عباس بن السری، محمد بن زید الرطاب و احمد بن علویه اصفهانی مشهور به ابن اسود کاتب روایت کرده‌اند. شیخ صدوق از پدرش و او از عبدالله بن حسن مودب و او نیز از احمد بن علویه اصفهانی کتابهای ابواسحق را روایت کرده است. اما از چگونگی و کیفیت روایت کتابهای وی از جمله الفارات با وجود آنکه جمعی از بزرگان چون ابن ابی‌الحذیف و حسن بن سلیمان حلی شاگرد شهید اول بدون واسطه از آن روایت کرده‌اند؛ خبری در دست نیست. و به نوشته مرحوم محدث ارموی نسخ این کتاب از قدیم الایام اعز از کبریت احمر و نایاب‌تر از سیمرغ و کیمیا بوده است. تاکنون قدیمترین نسخه شناخته از آن نسخه علامه مجلسی است که براساس نسخه‌های دیگر در دوره صفویه استنساخ شده است. این نسخه (نسخه علامه مجلسی) اساس تصحیح و چاپ آن توسط مرحوم محدث ارموی قرار گرفته است.

#### ۴. چاپ کتاب

الفارات نخستین بار در دو مجلد بالغ بر ۱۱۲۴ صفحه به قطع وزیری با استدراکات و فهرست مطالب، آیات، اعلام، قبایل و مذاهب، اماکن، کتب، قوافی اشعار و مأخذ تحقیق، جزء آثار چاپی سلسله انتشارات انجمن آثار ملی در تهران با حواشی و تعلیقات مبسوط میرجلال‌الدین محدث ارموی به سال ۱۳۵۶ ش. با مقدمه‌ای قریب به صد صفحه به چاپ رسید. (شانزده صفحه فارسی و بقیه عربی)

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - نک: نجاشی، رجال، شماره ۱۹؛ شیخ طوسی، فهرست، ۵.
- ۲ - مجله راهنمای کتاب، سال بیستم، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، مقاله الفارات از علی‌اصغر فقیهی، ص ۸۴۳.
- ۳ - رجال، همانجا.
- ۴ - ابن‌التیمی، الفهرست، صص: ۵۹، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۵.
- ۵ - نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷.
- ۶ - اینکه بازاریان کوفه که اکثراً ایرانی بودند وقتی علی(ع) را در بازار می‌دیدند می‌گفتند: مرد شکنجه «مرد شکم بزرگ» آمد (ص ۱۱۰ - ۱۱۱)؛ و دیگر روش علی(ع) در تقسیم بیت‌المال میان اعراب و موالی، که بیشتر موالی ایرانی بودند (ص ۷۰) قابل ذکر است.
- ۷ - الفارات، تصحیح محدث ارموی، ۲۴۴ - ۲۴۵.
- ۸ - همانجا، ۴۵۸.
- ۹ - همانجا، مقدمه مصحح، ص (نه). مصحح نام سی و دو تن از مشایخ ابواسحق را در صفحه (نو) فهرست کرده است.
- ۱۰ - نجاشی، رجال، همانجا.
- ۱۱ - الفارات، مقدمه مصحح، ص (فط).
- ۱۲ - همانجا، ص (یب).

